

## مقدمه:

مدیریت دانش به عنوان مجموعه کارکردهای وابسته به هم تعریف می شود و معطوف به شناخت دانش فردی و دانش سازمانی و از همه مهم تر تعامل بین آنهاست که یک چرخه را می سازد. اما این چرخه از چه بخش هایی تشکیل شده است؟

## هدف گذاری دانش:

هدف گذاری دانش بر بینش دانشی سازمانی در جهت دهی فعالیت های مدیریت دانش دلالت دارد. اهداف دانشی تعیین می کند که چه قابلیت هایی و در چه سطحی ایجاد شوند. بنابراین، سوالی که در این مرحله از فرایند مدیریت دانش ذهن مدیران را به چالش می کشد این است که سازمان باید بر روی چه نوع دارایی های دانشی، به چه میزان و در چه سطحی متمرکز شود.

## شناسایی دانش:

شناسایی دانش به شناخت و تحقق نیازهای دانشی درون یک سازمان اشاره دارد. شناسایی دانش مستلزم تحلیل دانش موجود و مطلوب و شکاف بین آنهاست. شناسایی دانش موجود نیازمند ترسیم نقشه دانش است که بر اساس آن مشخص می شود که سازمان چه دانش و قابلیت هایی دارد و چه کسانی برای تحقق اهداف دانش، دانش حیاتی دارند.

## کسب دانش:

هیچ سازمانی به تنهایی قادر به تولید همه دانش مورد نیاز خود نیست. از این رو دانش باید کسب شود. کسب دانش از طریق سازمان های نوآور، استخدام متخصصان، خرید اسناد از منابع خارجی، استخدام مشاوران، خرید اختراعات و بازیابی وب با استفاده از موتورهای جستجوگر و غیره صورت می گیرد.

## خلق دانش:

تولید مهارت های جدید، محصولات جدید، ایده های بهتر و فرایندهای موثر تر تاکید می شود. بنابراین، در صورتی که دانش مورد نیاز در منابع داخلی و خارجی سازمانی یافت نشد، سازمان با

# چرخه مدیریت دانش

گردآورنده: اعظم صارم، عاطفه رئیسی

زمستان ۱۴۰۴

## اشتراک دانش:

در نظر گرفتن قابلیت های اساسی خود اقدامات مربوط به تحقیق و تولید دانش را فراهم می آورد. از این رو، این سوال مطرح می شود که اساسا دانش باید طی چه مراحل و چگونه خلق/تولید شود.

## سازماندهی دانش:

این مفهوم در ارتباط با مفاهیم دیگر نظیر ترکیب، رمزگذاری، نمایه سازی، رسمی سازی و پالایش دانش تعریف می شود. سازماندهی به مفهوم طبقه بندی دانش اشاره دارد؛ ایجاد روابط بین عناصر از طریق ترکیب، تولید، طبقه بندی و زمینه ای که دانش گردآوری شده در آن به آسانی برای افراد نیازمند قابل دسترسی و درک باشد.

## ارزیابی دانش:

بعد از شناسایی و کسب دانش، ارزیابی ارزش دانش گردآوری شده و صورتبندی شده برای دستیابی به دانشی که مناسب ترین به نظر می رسد، ضروری است. دانش جدید تولید یا کسب شده باید ارزیابی شود تا از صحت و ارزشمند بودن آن پیش از آنکه به اشتراک گذاشته شود، اطمینان حاصل کرد. با این توضیح که آیا دانش سازماندهی شده طی مراحل مختلف شناسایی، کسب یا خلق دانش، با معیارهای تعیین شده براساس برنامه استراتژیک جهت تحقق اهداف سازمان مطابق دارند یا خیر.

## حفظ، نگهداری و بروز رسانی دانش:

این مرحله از دانش به ذخیره سازی و جا سازی دانش کسب یا تولید شده در حافظه سازمانی و حفظ و نگهداری و در عین حال روزآمد سازی آن اشاره دارد. ذخیره سازی دانش وابسته به انتخاب، سازماندهی یا طبقه بندی و نیز روزآمدسازی دانش است.

سازمان ها باید این واقعیت را بپذیرند که دانش سازمانی بسیار آسیب پذیر است و هر لحظه ممکن است به معنای واقعی سازمان را ترک کند. چالش امروز سازمان ها گردآوری و محافظت از این دانش است.

اشتراک دانش ناظر بر توزیع، انتقال، نمایش، یکپارچه سازی و اجتماعی شدن دانش است. هدف از اشتراک دانش را انتقال دانش به مکان مناسب در زمان مناسب و با کیفیت مناسب بیان می کند. اشتراک دانش از مهم ترین فعالیت های اصلی مدیریت دانش به شمار می رود.

## کاربست دانش:

در دسترس گذاشتن دانش نمی تواند تضمین کند که دانش حقیقتا مورد استفاده قرار گرفته است. نمایش و عرضه دانش شرط لازم برای کاربرست موفق دانش به شمار می رود. مرتبط کردن داده، اطلاعات و دانش با وظایفی که برای سازمان ارزش می آفرینند، کاربرست دانش است.

## ارزشیابی اثربخشی فرایند مدیریت دانش:

در این مرحله، تمامی فعالیت ها و اقدامات مدیریت و کارکنان سازمان در راستای تحقق اهداف دانشی سازمان در مراحل شناسایی، کسب، خلق، سازماندهی، اعتباریابی، اشتراک، حفظ و نگهداری و بکارگیری دانش مورد ارزیابی قرار گرفته و اثربخشی و کارایی آن اندازه گیری می شود. به عبارت دیگر، در این مرحله اغلب شکست یا موفقیت سازمان ها در تدوین و اجرای برنامه های مدیریت دانش اعلام رقم می خورد.